

## آیه الله العظمی بهجت از آیات بزرگ الهی

حضرت آیه الله بهجت رضوان الله تعالی علیه حقیقتاً یکی از آیات بزرگ الهی و یکی از نوادر تاریخ معاصر بودند. ایشان علاوه بر این که در حوزه علمیه یکی از استوانه های مهم و تأثیرگذار علمی اخلاقی عرفانی و عملی بودند، وجودشان برکتی بود برای حوزه بلکه برای ایران اسلامی و جهان تشیع؛ و فقدان این مرد بزرگ حقیقتاً مصداق کامل آن حدیث شریف است که وقتی یک مؤمن فقیه از دنیا می رود، رخنه ای در جامعه اسلامی پیدا می شود که هیچ چیز نمی تواند جای آن رخنه را پر کند.

اصولاً انسان در سیر تکاملی خودش به نقطه ای می رسد که دیگر تعریف و شناخت نیست؛ بعضی از انسان ها این جور هستند، البته منظور این نیست که ما تلاش نکنیم برای آشنا شدن با شخصیت های بزرگ، متأسفانه شخصیت های بزرگ به دلایل مختلف در حال حیات شناخته نمی شوند. در این زمینه حضرت آیه الله بهجت رحمه الله علیه می فرمایند: تعریف کردن از امثال مرحوم ملاحسین قلی همدانی و ملافتح علی سلطان آبادی بعد از مرگشان آسان است ولی در حال

حیات چگونه؟ آیا در حال حیات هم از آن ها تعریف می شود، تمجید می شود؟! مضمون فرمایش ایشان این است که باید در جامعه ما لاقلاً تلاش بشود شخصیت های بزرگ علمی و عملی شناخته بشوند تا در حال حیات، مردم از آن ها استفاده بکنند. جامعه از آن ها بهره ببرد. ولی این سخن، به آن معنا نیست که اینگونه شخصیت ها، نظیر حضرت آیه الله بهجت قابل تعریف هستند، یک روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام هست که من در سالگرد امام خمینی رضوان الله تعالی علیه هم به آن اشاره کردم، که حضرت می فرمایند:

تنها خدا نیست که قابل تعریف نیست و حقیقت خدا را نمی شود شناخت، بلکه همان طور که نمی توان به کتب خدا پی برد، به کتب معرفت پیامبر هم نمی توان پی برد، کتب حقیقت امام را هم نمی توان شناخت، بعد نکتته این جاست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند: مؤمن هم

همین جور است و حقیقت مؤمن هم قابل تعریف نیست؛ البته باید توجه داشت که این، قیاس مؤمن با امام یا امام با پیامبر یا پیامبر با خدا نیست، هیچ کس قابل مقایسه با خدا نیست، هم چنین با رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد ائمه علیهم السلام. اگر کسی بخواهد به پیامبر شباهت داشته باشد فقط امام بعد از اوست. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند: خدا را هیچ کس نشناخت جز من و علی، مرا نشناخت جز علی و خدا، و علی را نشناخت جز من و خدا. این هم طبق نقل خودشان معرفت به کتب ذات خدا نیست؛ معرفت به اندازه طاقت بشری است؛ مؤمن هم همین جور هست. در این جهت که قابل

تعریف نیستند. این ها همه شریک هستند ولی چیزی که هست مراتب دارد، در واقع می توان گفت که این حدیث به این معناست که وقتی انسان مجلاً، مظهر و خلیفه حضرت حق شد و به این نقطه رسید، در این صفت که خدا قابل شناخت نیست، مجلاً و مظهر او هم قابل معرفت نیست. به همین جهت است که اولین

گام برای کسانی که می خواهند در مسیر سیر و سلوک قرار بگیرند، این است که مقامات اهل معرفت را انکار نکنند. امام راحل در وصیت نامه خود به حاج احمد آقا رضوان الله تعالی علیهما می فرماید: «آن چه در درجه اول به تو وصیت می کنم، آن است که انکار مقامات اهل معرفت نکنی که این شیوه جهل است و از معاشرت با منکرین مقامات اولیاء بهره میزید که اینان قطع طریق حق هستند». این خیلی مهم است که انسان بداند مقاماتی هست که بعضی از اولیای الهی به آن مقامات می رسند و اگر کسی بخواهد به آن نقطه حرکت کند، باید منکر این مقامات نباشد. باید عرض کنم حضرت آیه الله بهجت قدس سره، یکی از کسانی بودند که به نظر بنده و بسیاری از افرادی که با ایشان از نزدیک آشنا بودند، به

## مرجع عالی قدر جهان تشیع در نگاه شاگردان و ارادتمندان / ۵

### آیه الله محمدی ری شهری: آیه الله العظمی بهجت حقیقتاً از آیات بزرگ الهی و نوادر تاریخ معاصر بودند

این نقطه رسیده بودند یعنی حقیقتاً یکی از آیات بزرگ الهی، از نوادر تاریخ معاصر و از انسان های کامل در عصر ما بودند.

#### تاکید به عمل به مسلمات شرع

ایشان به کتاب و سنت «قرآن و حدیث» متعهد بودند، اعتقاد داشتند که اولاً راه سیر و سلوک و دست یابی به کمالات انسانی، همان واضحات شرع است؛ چون بعضی افراد فکر می کنند که برای سیر الی الله باید یک پیر و مرشدی داشته باشند که حتماً یک ذکر و وردی به آن ها بدهد تا یک شبه راه صد ساله را بروند! وقتی مکرر از ایشان سؤال می شد که برای خودسازی رهنمودی بفرمایید، می فرمودند: عمل به واضحات شرع، و می فرمودند: بعضی ها هستند که هنوز کلاس اول را نرفته می خواهند کلاس های بالاتر شرکت بکنند، اگر کسی به واضحات شرع عمل کند به همه مقامات و کمالات انسانی می رسد. حتی یک ختم مجربی، برای فقه و اصول، توصیه می کردند و می فرمودند: علمایی که به

گفت این ها را بفروش بده، گفت بیش از این هست، فرمود که هر کاری می توانی بکنی، بکن؛ من ملتزم هستم؛ اینجا هم گفتند، من ملتزم هستم که خداوند این بدهی تو را جبران می کند. در این دو بار بود که ایشان از واژه من استفاده کردند. بسیار مهم هست که انسان در زندگی به نقطه ای برسد که خودش را نبیند.

#### راه تحصیل حضور قلب:

مهم ترین ویژگی ایشان عمل و دوام ذکر بود. ایشان معتقد بودند که با تداوم ذکر و توجه به خدا می توان به همه کمالات انسانی دست یافت. مبدأ همه کمالات انسانی، تداوم ذکر است و راه تحصیل حضور قلب در نماز، این است که آن توجهات لحظه ای را که در نماز نسبت به خدا پیدا می شود اختیاراً از دست ندهید. می فرمودند که وقتی انسان نماز می خواند، بالاخره یک لحظه ای متوجه می شود که دارد نماز می خواند و در محضر خداست، لذا اختیاراً این لحظه را از دست ندهید. و برهان این مطلبی که من می گویم، همراهش



حضرت آیه الله بهجت رضوان الله تعالی علیه حقیقتاً یکی از آیات بزرگ الهی و یکی از نوادر تاریخ معاصر بودند. ایشان علاوه بر این که در حوزه علمیه یکی از استوانه های مهم و تأثیرگذار علمی اخلاقی عرفانی و عملی بودند، وجودشان برکتی بود برای حوزه بلکه برای ایران اسلامی و جهان تشیع؛ و فقدان این مرد بزرگ حقیقتاً مصداق کامل آن حدیث شریف است که وقتی یک مؤمن فقیه از دنیا می رود، رخنه ای در جامعه اسلامی پیدا می شود که هیچ چیز نمی تواند جای آن رخنه را پر کند.

## توصیه دائمی به مسئولین نظام:

حضرت آیه الله العظمی بهجت یکی از کسانی بودند که حقیقتاً می خواستند نظام اسلامی، مورد عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، به همین جهت شاید در بسیاری از دیدارهایی که ما با ایشان داشتیم، تأکید می کردند که مسئولین کشور مواظب باشند که آن ها را نخرند، رشوه های مختلفی ممکن است داده شود، قیمت ها و رشوه ها مختلف هست و ممکن است افراد خریداری بشوند و مسیر انقلاب و مسیر نظام را تغییر بدهند حتی به من تأکید می کردند که شما جوری عمل بکن که آن نان و پنیر طلبگی را داشته باشی که هر وقت که احساس کردی نمی توانی به وظیفه ات عمل کنی بیایی سراغ طلبگی خودت، یعنی مسئولین بایست این جور عمل کنند. یعنی جوری عمل نمایند که در بند مقام، مسئولیت و پست نباشند. بلکه در شرایط مختلف خالصانه برای خدا کار کنند و از ارزش ها دفاع نمایند.

#### نقش نماز در کمالات معنوی

ایشان مثل بسیاری از بزرگان مانند مرحوم نخودکی، طریق سیر و سلوکشان عمدتاً تکیه بر نماز بود؛ یعنی هر چه نماز کامل تر شود و با آداب و شرایط بیشتری انجام گیرد، نقشش در سازندگی انسان، در نهی از فحشا و منکر و رسیدن به قله مقامات انسانی، بیشتر است من مکرر از ایشان رهنمود خواستم؛ ایشان به نماز توصیه می فرمودند و تکیه داشتند به روایتی از حضرت امیر علیه السلام که در نهج البلاغه آمده است و حضرت می فرمایند: اعلم ان کل شیء من عملک تبع للصلاة.

در یکی از دیدارها، حضرت آیه الله بهجت، از مرحوم آیه الله آقا سیدعلی قاضی نقل کردند: «هر کس نمازهای واجب یومیه را اول وقت بخواند، به همه مقامات معنوی خواهد رسید. اگر نرسید، مرا لعنت کند!».

ایشان ادامه دادند که: «آقای قاضی، چیز دیگری را هم اضافه کرد که نمی گویم».

پرسیدم: شخص خودتان، چه کرامتی از آقای قاضی دیده اید؟ فرمودند: «پشت سر ایشان نماز می خواندم، که مطلبی به ذهنم آمد. پس از نماز گفت: آن مطلب، این طور است».

#### توصیه به یک دعا در هر صبح و شام

یکی از نکاتی که آیه الله العظمی بهجت در این دیدار فرمودند، توصیه به این دعا بود: «اللهم اجعلنی فی درعک الحصینة التي تجعل فیها من ترید». ایشان در ادامه فرمودند که: «این دعا را هر صبح و شام بخوان و مقصودت همه اهل ایمان و من بحکم اهل الایمان، هر کس که در حکم «اهل ایمان» است (مانند کودکان) باشد»، شیخ کلینی در کتاب شریف کافی/ ۵۳۴/۲ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت توصیه می فرمایند که: این دعا را در هر صبح و شام، سه بار بخوانید و آن را ترک نکنید. و نیز از پدر خویش، امام محمد باقر علیه السلام، روایت کرده اند که ایشان می فرمودند: «این، از دعاهای گنجینه است و نااهلان، بدان دسترسی ندارند».

#### بالاترین توصیه

فرمودند: بالاترین توصیه این است که خدا را در همه جا حاضر و ناظر ببینی. فرمودند: ما هر لحظه به هدایت او (خداوند متعال) نیاز داریم. قطره قطره عنایات او، باید مدد کند تا بدانیم و بتوانیم چه بگویم و چه بکنیم.

#### حضور قلب، دوایی است، نه دعایی!

از ایشان تقاضا کردم که دعا کنند که بتوانم در نماز، حضور قلب داشته باشم. فرمودند: «دوایی است! دعایی نیست».

#### اهتمام به کاری فوق العاده

فرمودند: از خداوند متعال بخواهید، و از ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بخواهید که کاری فوق العاده به دست شما انجام شود. استبعاد نکنید! هر کس هر ابتکاری داشته، از فضل خدا بوده، وگرنه ممکن است انسان، چاهی بکند که خود در آن بیفتد.

هست، اما تا کسی عمل نکند، متوجه نمی شود که من چی می گویم. آن لحظه ای را که انسان ناگهان متوجه خدا می شود، به اختیار خودش از دست ندهد و آن را حفظ کند، اگر آن لحظه را حفظ کرد، خداوند توفیق می دهد که لحظات دیگر را هم به یاد خدا باشد، و می فرمودند: که شیطان می خواهد انسان را اختیاراً از خدا غافل کند، اگر انسان اختیاراً از خدا غافل نشود، شیطان هم به او کاری نخواهد داشت. اگر کسی در حالات دیگر هم این توجه را داشته باشد، موفق به تداوم ذکر می شود، حتی ایشان راجع به قرآن، مکرر به بنده می فرمودند: شما که حافظ قرآن هستید، از همین حفظ قرآن برای تداوم ذکر استفاده کنید، یعنی یکی از راه های تداوم ذکر همین استفاده از قرآن است و می فرمودند: که عاقبت تداوم ذکر، عجائب است؛ یعنی اگر کسی ذکر را تداوم بدهد چیزهای عجیبی خواهد دید و خودشان مصداق عملی گفتارشان بودند؛ یعنی رفتار ایشان بیش از گفتارشان آموزنده بود. گاهی وقت ها که خدمت ایشان می رسیدیم، تا آن وقتی که خودشان صحبت می کردند که صحبت می کردند، اما وقتی من صحبت می کردم، می دیدم ایشان مشغول ذکر هستند. آقا زاده شان می گفت: ایشان در یک آن، دو کار را انجام می داد، مثلاً وقتی که می خواست برود کتاب را از قفسه بردارد همین چند لحظه ای که طول می کشید یا مشغول ذکر می شد یا در حال فکر بود.

حضرت آیه الله العظمی بهجت از جهات مختلف، حقیقتاً انسان فوق العاده ای بودند؛ وقتی انسان چهره نورانی ایشان را می دید به یاد خدا می افتاد. دیدنش از خدا دهد یادم کند از یاد خویش آزادم یکی از مصادیق روایت: من یدکرکم الله رویته، ایشان بودند.

مقاماتی رسیدند، از همین درس فقه و اصول و عمل کردن به واضحات شرع رسیدند.

#### دوری از منیت و خودبزرگ بینی

آن چه در رابطه با امثال حضرت آیه الله بهجت که متأسفانه من در عصر حاضر نمونه ای نمی شناسم، به نظر من مهم ترین ویژگی اخلاقی یا عرفانی ایشان، ندیدن خودشان بود، خودش را نمی دید کمالات و آن سیر و سلوک خودش را نمی دید، با همه مقامات علمی و عملی که داشت خودبین نبود، یک شعری هست که: سالک تو و رب آرئی این چه تمنا

با دیده خودبین نتوان دید خدا را کسانی می توانند خدا بین باشند که خودبین نباشند. ایشان به اینجا رسیده بود و خودش را نمی دید. آقا زاده شان می گفت من فقط دو بار از ایشان کلمه من را شنیدم. یک بار بعد از وفات حضرت امام بود آن موقع که مقام معظم رهبری از طرف خبرگان به رهبری جامعه و انقلاب اسلامی انتخاب شدند، وقتی آیه الله خامنه ای در دیدار با آیه الله بهجت، از ایشان سؤال کردند که این مسئولیت سنگین به دوش من افتاده به تعبیر من حالا من چه کنم؟ بعد از سؤال مقام معظم رهبری، ایشان چند دقیقه ای سکوت کردند، بعد فرمودند: «الحمد لله شما به مبانی مستحضرید، اگر به آن چه می رسید طبق موازین است، عمل کنید من ملتزمم که شما را تنها نگذارم.» این یک جایی بود که گفت من ملتزم هستم که شما تنها نمی مانید؛ یک بار هم تقریباً سه چهارم و شش و چهل هفت بود که یکی از آقایان مقیم قم خدمت آقای بهجت آمدند و گفتند پدر من از دنیا رفته و بدهکاری زیادی دارد و چیزی هم برای پرداختن این بدهی ها نگذاشته، ایشان فرمودند که تو بده، تو قرض پدرت را بده، آقا اگر همین خانه و زندگی و این چیزها را هم بفروش باز هم قرض او بیشتر از این است،